بهترین نیکی این است که شخص با دوستان پدرش ارتباط داشته باشد (و حقّ دوستی آنها با پدرش را ادا کند).

از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که صحرانشینی در راه مکه با وی روبه رو شد؛ عبدالله بن عمر به او سلام گفت و او را بر الاغی که خود سوارش بود، سوار کرد و عمامه ای که بر سر داشت، به او بخشید. ابن دینار می گوید: به او گفتیم: الله تو را اصلاح کند؛ اینها صحرانشین هستند و به اندک بخششی راضی می شوند. عبدالله بن عمر رضی الله عنه گفت: این شخص دوست پدرم (عمرِ بن خطاب رضی الله عنه) بوده است و من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: «إِنَّ أَبَرَّ البِرِّ صِلَةُ الرَّجُل أَهْلَ وُدِّ أَبِيه»: «بهترین نیکی این است که شخص با دوستان پدرش ارتباط داشته باشد». در روایت دیگری از ابن دینار نقل شده است که هرگاه عبدالله بن عمر رضی الله عنه از مدینه به مکه می رفت، الاغی با خود داشت که وقتی از سواریِ شتر خسته می شد، برای استراحت بر الاغ می نشست؛ و عمامه ای داشت که بر سرش می بست. یک روز که سوارِ الاغش بود، صحرانشینی از کنارش گذشت. عبدالله از او پرسید: آیا تو فلان پسر فلانی نیستی؟ پاسخ داد: بله. پس عبدالله رضی الله عنه الاغش را به او داد و به وی گفت: سوار شو؛ و عمامه اش را به او بخشید و گفت: این را به سر خود ببند. یکی از همراهان عبدالله رضی الله عنه به او گفت: الله تو را ببخشد؛ الاغی را که برای استراحت خود داشتی، به او بخشیدی و عمامه ای را که بر سَرَت می بستی، به او دادی؟! پاسخ داد: من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمود: «إِنَّ مِنْ أَبَرَّ البِرِّ أَنْ يَصِلَ الرَّجُلُ أَهْلَ وُدَّ أَبِيهِ بَعْدَ أَنْ يُوَلِّيَ»: «بهترین نیکی این است که شخص با دوستان پدرش ارتباط داشته باشد». و پدر این مرد، از دوستان پدرم بود.

[صحیح است] [به روایت مسلم]

چون ابن عمر رضی الله عنه به قصد حج به سوی مکه خارج می شد، علاوه بر شترش، الاغی با خود داشت که به هنگام خسته شدن از سواری شتر، بر آن سوار می شد. و به این ترتیب خستگی خود را می گرفت و سپس بر شترش سوار می شد. روزی از روزها با صحرانشینی مواجه شد و از او پرسید: تو فلان پسر فلانی نیستی؟ وی گفت: بله چنین است؛ پس ابن عمر رضی الله عنه از الاغ پیاده شد و گفت: این الاغ را بگیر و بر آن سوار شو؛ و عمامه ای که بر سر داشت به او داد؛ و به آن صحرانشین گفت: سرت را با این ببند. همراهان عبدالله بن عمر وقتی این رفتارش را دیدند به وی گفتند: الله تو را اصلاح کند، یا الله تو را ببخشد؛ آنها صحرانشین هستند و صحرانشینان با کمتر از این راضی می شوند. منظورشان این بود که چگونه از الاغت پایین آمدی و خود پیاده راه می روی و عمامه ات را به او دادی که سرت را با آن می بندی؛ حال آنکه وی صحرانشینی است که با کمتر از این راضی می شود. این بود که ابن عمر رضی الله عنه گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: «إِنَّ أَبَرَّ البِرِّ صِلَةُ الرَّجُل أَهْلَ وُدِّ أَبِيه»: «بهترین نیکی این است که شخص با دوستان پدرش ارتباط داشته باشد». یعنی بهترین نیکی این است که چون پدر انسان یا مادرش یا یکی از نزدیکانش فوت شد، همچنان با دوستان او ارتباط برقرار باشد. و چون آن مرد دوست پدرش بود، جهت نیکی کردن به پدرش عمر رضی الله عنه، او را گرامی داشت.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/3493